

صغیر

و

ہر ایمان عشق

شاعر:

حفیظ اللہ جلالی چالشتری

سرشناسه	: جلالی، حفیظ‌الله، ۱۳۲۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: صفیر و هم‌پیمان عشق/شاعر حفیظ‌الله جلالی چالشتری.
مشخصات نشر	: شیراز: نامه‌ی پارسی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۲۴۰ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: 978-600-8638-73-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	: Persian poetry -- 20th century
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ س۴/۲۲۶/۰۰۳ PIRA
رده بندی یو	: ۸۶۱/۶۲
شماره کتابخانه ملی	: ۵۰۷۷۵۸۴



از بابت بارهای پاری
۱ ۳ ۹ ۷

شیراز، میدان شهرداری، خ نمازی، جنب بانک تجارت شعبه پیروزی، طبقه اول
تلفکس: ۰۷۱۳۲۲۳۱۲۸۰ - ۰۷۱۷۶۸۷۰۷۱۱ / ۰۹۱۷۶۸۷۰۷۱۱ Nameye.parsi@gmail.com

□□□

صفیر و هم‌پیمان، عشق

حفیظ‌الله جلالی چالشتری

□□□

نوبت و سال چاپ: اول ۱۳۹۷ / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

صفحه‌آرایی: اطلس دهقانی / طرح جلد: جمشید رفیعی

چاپ و صحافی: صبح امروز

شابک: ۵-۷۳-۸۶۳۸-۸۶۰۰-۹۷۸ / قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

□□□

آماده‌سازی پیش از چاپ: مؤسسه‌ی کتاب آرایان پارس

تلفکس ۰۳۲۲۳۱۲۸۰ - ۰۹۱۷۶۸۷۰۷۱۱

ketab.arayan@gmail.com

□□□

ارتباط با نویسنده: ۰۹۱۳۶۷۶۲۰۲۲

«حق چاپ برای مؤلف محفوظ»

فهرست مطالب

۴۱	سبک بالان	۱۳	هم‌پیمان عشق
۴۳	هشدار	۱۹	ناتوانی در نای درخت
۴۴	قلم عشق	۲۱	مهر فروزان
۴۶	تیر مُژه	۲۳	حرم یار
۴۷	دوستی	۲۵	کفتر بام تو
۴۷	دفتر عشق	۲۶	خمار عشق
۴۸	دُر دانه	۲۷	در خلوت یار
۵۰	در کمند عشق تو	۲۸	پایان انتظار
۵۱	به امید کعبه دار	۲۹	راهیان معشوق
۵۲	باده عرفان	۳۰	تسبیح یار
۵۳	شور و شیرین	۳۱	خُم جانانه او
۵۵	اندیشه بینا	۳۳	آهوی بُرزده
۵۶	محمل	۳۵	در کمند زلف تو
۵۷	عاشق نادان	۳۷	مرشد اسرار
۶۰	نوروز	۳۸	بهشت گم‌شده
۶۰	بهار	۴۰	رفیق نیمه‌راه

۸۹	۶۱	بشارت	شهره شهر
۹۰	۶۳	برده داران	خال هندو
۹۱	۶۴	محب تو	مناظره
۹۲	۶۷	عاشقان و معشوق	نام ای به دخترم
۹۸	۶۸	لحظه شیرین	سعد مداد
۹۸	۶۹	عشق یک طرفه	نار گیسویت
۱۱۰	۷۰	ماه در مجلس	موج عشق
۱۱۲	۷۱	زنجیر عشق	عطش عشق
۱۱۲	۷۲	تنهایی دل	شکورا
۱۱۴	۷۴	غم هجران	مغرضان
۱۱۵	۷۵	ظاهر سازان	نفیر هیجان
۱۱۶	۷۶	هیجان دل	می پرستان
۱۱۷	۷۷	بخار شهریاران	دیر خراب
۱۱۸	۷۸	خزانه یار	زلف پریشان
۱۱۹	۸۰	بستر یار	همدم گم شده
۱۲۰	۸۱	بهار گم شده	طالب دیدار
۱۲۱	۸۲	چوپان عاشق	ملاقات یار
۱۳۲	۸۴	گله ی الاغ	مرغ سحرخیز
۱۳۵	۸۴	طلب عشق	عروس گل فروش
۱۳۶	۸۵	عرفان	شهد می
۱۳۸	۸۶	جامه ی نو	شتاب
۱۴۰	۸۷	چشم جادو	سختی با یار
۱۴۱	۸۸	شب رهایی	شب دیدار

۱۷۸	تضاد در عقیده	۱۴۲	بوی بهار
۱۸۰	افسانه	۱۴۳	صفیر خنده‌ی تو
۱۸۱	رباخوار	۱۴۵	محلی بختیاری
۱۸۴	غارت	۱۴۶	نیمه آه
۱۸۶	حاجت خلق	۱۴۸	عرفان
۱۸۷	چلچراغ شیراز	۱۵۱	عشق یل
۱۸۸	گلبرگ گل	۱۵۳	حکایت
۱۸۹	سخنی با سعدی	۱۵۵	آدمیت و معبود
۱۹۰	سرگذشت دو دوست	۱۵۷	سیمای دلبر
۱۹۹	دویتی محلی	۱۵۸	حکام جور در قدیم
۲۰۲	رخصت یک نگاه	۱۵۹	قلم و دفتر
۲۰۴	مسافر	۱۶۱	غربت دل؛ محلی
۲۰۵	دیده‌ی بیره از زنان	۱۶۲	صفیر عشق
۲۰۷	گلبنانگ من	۱۶۵	برج خیالی
۲۰۹	اشنا	۱۶۶	غوغا
۲۱۰	دامن گاه	۱۶۷	حراج دل دیوانه
۲۱۱	به امید مه نو	۱۶۸	چهارپاره
۲۱۲	دو فقره از مردان	۱۶۹	شب شیرین وصال
۲۱۴	غزلی کودکانه	۱۷۰	خلوت رؤیا
۲۱۵	پند و اندرز پدر به سه فرزندش	۱۷۱	چارپاره
۲۱۶	خودباوری	۱۷۳	نکته
۲۱۷	حیله‌های شیطان	۱۷۴	محلی بختیاری
۲۲۵	چله‌نشین	۱۷۵	کاخ زرین
۲۲۷	اهل صفا		
۲۲۸	شعر پایانی		

۲۲۹	زمزمه‌ی جادو
۲۳۰	داغ دل
۲۳۱	فریاد
۲۳۳	عشق چیست
۲۳۷	رُضه‌ی رضوان
۲۳۸	بانعم ثنای تو

هم پیمان عشق

عشق چیست؟ عاشق کیست؟ دیشوق کدام است؟
خداوندا تو بی نهایت بزرگ و من بی نهایت کوچک بلکه هیچم تو بی نهایت
عزیزی و من بی نهایت ذلیل با بی زبانی تو را توصیف کنم خالقا شرمنده
از آنم که تو را آن گونه نمی توانم عبادت کنم که خود می خواهم تا چه رسد
که رضای تو را به دست آورم.

الهی از من هیچ، چه برآید، پروردگارا بزرگ تر از آنیم این است که به من
ناتوان قدرت بیانی دهی تا تو را در طول زمان عبادت و ستایش کنم هر چند
که اگر به شماره ریگ ها و ماسه های کوه ها و در و دشت و درگ های درختان
و ستاره های آسمان و قطره قطره های باران هایی که از آسمان به دنیا با به آخر بر
زمین باریده و می بارد و موج هایی که در دریاها بر روی هم انداخته می شود
بر هر یک از موهای بدنم یک میلیارد زبان باشد و هر یک زبان در هر لحظه
میلیاردها بار شکر تو را بگوید باز هم نخواهم توانست یکی از کوچک ترین
نعمت های تو را پاسدارم، چه باید کرد.

من بنده ای ضعیفم و تو خالق بی نهایت بزرگ؛ پس، از من هیچ چه برآید.
در حمد و ثنای تو همان بس که خود در قرآن فرموده ای پروردگارا از درگاه

باعظمتت عاجزانه می‌خواهم که مرا لطف و مرحمتی بخشی تا با سرودن اشعاری زیبا، تو را در طول زمان ستایش کنم. الهی مرا از کرم و خزانه بی‌پایان فضیلت بهره‌مند و توفیق خدمت گذاری در راه خودت را مرحمت بفرما. خدایا اشعاری را به ذهنم بیاور که موجب رضای تو و خوشنودی تو باشد، آمین.

معبودا، من کمتر از آنم که دیگران را پند و اندرز دهم زیرا که خود سراپا حرق شامه ام. امیدوارم اشعارم یادآوری برای عزیزان خواننده باشد و دعای خیرشان سامان عالم گردد.

با سلام و درودی پایان بر همه پیامبران و رهروان راه حق و عاشقان معبود از آدم تا پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه و سلم) و با سلام و درود بر عاقلان دین خن شناوری که در راه معشوق جان باختند. از هابیل تا حسین (ع) و از حسنین تا آخرین شهید راه عشق، عشقی که هرگز پایان ندارد عشقی که برای رسیدن به معبود انسان را از خود بیخود می‌کند عشقی که تا قیامت زبان دل هر انسان را زنده و با احساس است.